

دکتر داود صفها نیا *

خاندا ن جوینی در دستگاه ایلخانان

مقدمه

درا وایل قرن هفتم هجری (سیزده میلادی) اقوام چادر نشین مغول تحت فرماندهی چنگیزخان از مشرق آسیا سرا زیر شدند و کشورهای آبا دو متمدن چین و ایران و گرجستان و آسیای صغیر و به طور کلی سرتا سرا آسیا بجز شبه قاره هند، تا اروپای مرکزی را مقهور قدرت نظامی و ایلغار خود ساختند و بر آن نواحی مسلط گردیدند و از آنجائی که فاقد تجربه جهان داری و ملکداری بودند و به ناچار بسرائی اداره سرزمین های وسیع اشغال شده از دولت مردان این مناطق استفاده کردند و چاره ای جز آن نیز نداشتند زیرا فاقد تجربه لازم سیاسی و فرهنگی بودند. چنان که خود چنگیز با تا تا کوس ایغوری در امور مربوط به اقوام آسیای خاوری و میان و با یلوچوت سای چینی برای مسایل سرزمین چین و نیز با محمودیلواج ما ورا الهنهری در باب مسایل کشورهای اسلامی آسیای با ختری همواره در مشا و ره و مصلحت اندیشی بوده است.

* گروه تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز.

تاریخ بعد از اسلام ایران نیز شاهد براین است که دولت مردان با استعداد و خاندان های عمال دولتی ایران زمانی که اقتدار و حکومت مملکت دچار نا بسامانی و یا تحت تسلط بیگانه قرار گرفته ، آستین همت بالا زده و کشتی طوفان زده ، ملک را برای و تدبیر و خرید ، یک چندی به ساحل امنیت و آرامش و عمران و آبادی سوق داده اند . مسلماً " در بین این خانواده ها خاندان جوینی نیز موقعیت خاصی دارد ، چه افرادی این خاندان گذشته از آن که رجال لایق و کار داران بودند اکثر " اهل علم و ادب نیز می باشند و به طوری که در شرح حال آنان خواهد آمد مدھریک علاوه بر مقام و منصب دیوانی ، در رشته های از فنون متداول عصر دارای نام و نشانی هستند . شهرت این خاندان تنها مربوط به دوره ایلخانان مغول نبوده بلکه در عصر سلجوقیان و خوارزمشاهیان نیز نام افراد آن به چشم می خورد .

اصل و نسب خاندان جوینی

نسب خاندان جوینی را به فضل بن ربیع نسبت می دهند وی و پدرش ربیع بن یونس در دستگاه حکومت بنی عباس عنوان حاجبی و وزارت داشته اند . از معروفترین شخصیت های این خاندان در عصر سلاجقه ، مؤیدالدوله منتجب الدین بدیع اتابک جوینی را می توان نام برد . وی رئیس دیوان مکاتبات سلطان سنجر (۵۵۲ - ۵۱۱ هجری) بوده و در فن نگارش مهارت کافی و شهرت کامل داشته است . کتاب " عتبه الکتبه " که نمونه بسیار ارزنده ای است از مجموعه مراسلات دیوانی عهد سلجوقی ، از وی در دست است (۱) . مؤیدالدوله منتجب الدین دایی بهاء الدین محمد بن علی از اجداد جوینی های مورد بحث می باشد که بهاء الدین نیز مردی ادیب بود و ملاقاتی بین وی و سلطان تکش خوارزمشاه (۵۹۶ - ۵۶۸ هجری) در قصبه آژادواز توابع جوین خراسان مسقط الراس این خاندان صورت گرفته است . (۲) . شمس الدین محمد بن محمد بن علی پدر بزرگ صاحب دیوان

شمس‌الدین محمد و علاء‌الدین عطا ملک جوینی (دو شخص مورد نظر در این مقاله) مستوفی دیوان (مسئول امور مالی) سلطان محمد و سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه بوده‌است (۳). پدر جوینی‌های مورد بحث بهاء‌الدین محمد از ابتدای استیلای مغول تا آمدن هولاکوبه ایران مدت ۳۵ سال در خدمت امرای بزرگ مغول عهده‌دار صاحب‌دیوانی (۴) خراسان و مازندران گردیده سپس در سال ۶۳۳ هجری از طرف اوگتای قاآن (۶۳۹-۶۲۶ هجری) به صاحب‌دیوانی سرتاسرای ایران تعیین گردیده‌است. چندین بار از طرف وبوکالت امرای کل مغول در ایران سمت حکمرانی پیدا کرده‌است. در سال ۶۵۱ هجری از طرف امیر ارغون (۶۵۴-۶۴۱ هجری)، پنجمین امیر مغولی ایران، به سمت حکمران عراق عجم (۵) منصوب گردیده و کمی بعد از عزیمت به اصفهان فوت کرده‌است. وی اشعاری بزبان فارسی و عربی سروده و از فضیلتی معروف دوران خود بوده‌است (۶).

خاندان جوینی در دوره ایلخانان

برجسته‌ترین اقرا د خاندان جوینی در دوره ایلخانان صاحب‌دیوان خواجه شمس‌الدین محمد و تنی چند از پسران وی و برادرش خواجه علاء‌الدین عطا ملک موباشند که این مختصر به ذکر احوال ایشان اختصاص دارد.

صاحب‌دیوان خواجه شمس‌الدین محمد جوینی: شمس‌الدین محمد در سال ۶۵۷ هجری بعد از فتح بغداد از طرف هولاکوخان (۶۶۳-۶۵۱ هجری) به حکومت بغداد منصوب شد و در سال ۶۶۱ هجری به بالاترین منصب دستگاه ایلخانی یعنی وزارت ارتقاء یافت. در زمان آباقا خان (۶۸۵-۶۶۳ هجری)، پسر هولاکو، نیز در مقام خود ابقا شده و نفوذ و اعتبار زیادی کسب نمود و تا زمان احمد تغودار (۶۸۳-۶۸۱ هجری)، سومین ایلخان، این مقام را حفظ کرد. در سال ۶۶۷ هجری در زمان زمامداری آباقا خان به علت بروز

اغتشاش دراناتولی برای برقراری آرامش با نیروی نظامی و اختیارات کافی به این ناحیه اعزام گردید. شورش که در ایمن قسمت به وسیله محمدبیک قرمان اوغلو برپا شده بود خوابانده شد و صاحب دیوان به اصلاح اوضاع این منطقه پرداخت و پسرش شریف الدین هرون را از طرف خود به عنوان نایب در آنجا باقی گذاشت.

خواجeh شمس الدین وزیر مقتدر و با نفوذ، ثروت و ملاکی قریب چهار هزار تومان آن روز (حدود چهل میلیون دینار) فراهم آورده بود. بنا بر محاسبه ای. پ. پتروشفسکی، اگر بهای یک روستای متوسط آن زمان ده هزار دینار ارزش داشته باشد، با این وجه تهیه چهار هزار قریه امکان پذیر بوده است (۷).

با توجه به مقام صاحب دیوانی، عمال و افراد و کارگزاران مالی خواه در اقصی نقاط کشور امور مالی و اقتصادی را در دست داشتند و با طولانی بودن دوره صدارت و استعداد و نبوغ خاص شخصی، خواه بدون تردید ثروت هنگفتی اندوخته است. با معیارهای آن زمان و این که رجال دولتی مجبور بودند برای حفظ مقام و منصب خود در نزد حکمران و حتی اطرافیان و زبردستان پیشکشی های ارزنده بدهند و گشاده دست باشند و از طرف دیگر قسمتی از اعتبار و شهرت آنان بستگی به ثروت و مال و منال شخصی داشته است و مهمتر آن که موضوع توزیع عادلانه ثروت در آن دوره نمی توانسته مطرح باشد، نمی توان گفت خواه از موقعیت خود برای جمع آوری ثروت استفاده غیر اصولی کرده است. این همه ثروت و شهرت و اقتدار طبیعتاً "موقعیت وی و خاندانش را در معرض حاد حسادت و دشمنی شاهزادگان و امراء و رجال دولتی مغولی و ایرانی قرار داد. در میان این دشمنان، مجدالملک یزدی که از طرف شاهزاده ارغون (بعد از احمدتگودار به عنوان چهارمین ایلخان به حکومت رسید ۶۹۰ - ۶۸۳ هجری) حمایت و پشتیبانی می شد، در صدر انداختن بنیاد این خاندان بود. صاحب دیوان بنا بر حمایت اولجای خاتون، زوجه آقاخان نجات پیدا کرد و

اما در سال ۶۷۹ با تعیین مجدالملک به مقام مشرف الممالک یعنی با زرس کل امور دولتی (۸) و اشتراک وی با صاحب دیوان در تمام صلاحیت های حکومتی، اعتبار و نفوذ خواجہ شمس الدین سقوط کرد. آباقا خان که اطمینان و اعتماد خود را از وزیرش سلب کرده بود بیسره رقیب وی مجدالملک عنایت زیادی نمود و این امر موقعیت خواجہ را متزلزل کرد و اطرافیان و کسانی که پرورده وی بودند پراکنده شدند ولیکن صاحب دیوان توانست بطور ظاهری مقام و عنوان خود را حفظ نماید (۹).

به حکومت رسیدن احمدتگودا رکه قبلا "مسلمان شده بود (۱۰)، موقعیت خاندان جوینی را مجددا "مستحکم نمود و خواجہ شمس الدین اقتداری حتی بیشتر از دوره آباقا خان به دست آورد. عزل و اعدام مجدالملک این اقتدار جدید را نشان میدهد. همه افراد خاندان جوینی دوباره قدرت سابق را با زیافتند ولیکن با اتمام حکومت کوتاه مدت احمدتگودا را اقتدار این خاندان نیز به سرآمد.

در مقابل سیاست اسلامی سلطان احمدتگودار، ارغون طرفدار سنت و آداب و رسوم مغولان بود و در اولین تهاجم خود با شکست روبرو شد ولیکن با طرحی که امیر بوقا تدارک دیده بود وی از زندان رهایی یافت و به حکومت رسید. صاحب دیوان که در مبارزه بین سلطان احمد و ارغون نقش اساسی داشت ناچار به اصفهان فرار کرد. ابتدا قصد رفتن به هند را داشت ولیکن متوجه شد در غیاب وی ارغون خان به انتقام دشمنی های گذشته تمام افراد خانواده وی را قتل عام خواهد کرد و بناچار در صدد جلب عنایت ایلخان برآمد. ارغون نیز با اعسازام فرستادگانی خواهان بازگشت وی به اردوی خانی شد. خواجہ شمس الدین تصمیم داشت در معیت امیر بوقا به عنوان دستیار وی در کارها مشارکت کرده و خود و خانواده اش را نجات دهد. اما امیر بوقا و اطرافیان از قدرت و نفوذ وی هراسناک بودند و او را متهم به زهر دادن به آباقا و سوءاستفاده از اموال دیوانی نمودند. وی اتهم

مسموم کردن آبا قار را رد کرد و سرانجام به وی گفته شد با پرداخت بیست میلیون دینار زندگی خود را نجات دهد. صاحب دیوان قسمت اعظم دارایی خود را صرف خریدن ملاک و سرمایه گذاری در اراضی نموده بود و توانست در مدت ضرب الاجل چهار صد هزار دینار تدارک ببیند. بدین علت به امر ارغون خان که نسبت به وی کینه دیرینه داشته، در حالیکه به فرزندان خود نصیحت نامه (۱۱) و برای علماء و دوستان در تبریز نامه های وداع نوشت، در روز دوشنبه چهارم شعبان ۶۸۳ هجری وی را در اهر (ارسباران) آذربایجان به قتل رسانیدند (۱۲).

موقعیت سیاسی و اقتدار صاحب دیوان

خواجہ شمس الدین که در بین سالهای ۶۸۳ - ۶۶۱ هجری به مدت بیست و دو سال بروالاترین مقام اداری ایلخانی تکیه زده است، در زمان آبا قبا به جز سال های آخر آن دوره، دارای آنچنان نفوذ و قدرتی شده است که بعد از ایلخان مهمترین و نیرومندترین شخصیت دولت بوده است. برادرش علاء الدین عطا ملک و فرزندان خود وی در سال های کم سن جوانی عهده دار مقامات مهمی می شوند و هر یک موقعیت های برجسته ای احراز می کنند.

با توجه به شرایط زمان هولاکو و آبا قبا خان، تصور نمی رود صاحب دیوان در خط مشی سیاست خارجی حکومت ایلخانی نقش موثری داشته باشد. البته روابط احمد تگودار با ممالیک مسلمان مصر از این امر جداست و در دوره کوتاه مدت حکمرانی احمد احتمالاً "خواجہ شمس - الدین فرصت و مجال اعمال نفوذ در سیاست خارجی را مانند تمام شئون مملکتی دیگر داشته است. از نظر مسایل داخلی وی همواره عاملی برای تخفیف فشار مالی و اجتماعی عنصر حاکم مغولی بسیر عنصر ایرانی بوده است و از لحاظ مذهبی نیز سعی در جلوگیری از اعمال نفوذ اقلیت های مسیحی، یهودی و مغولان بر مسلمانان داشته است. صاحب دیوان به عمران و آبادی مملکت بخصوص که بعد از آن همه تاخت

و تا زوایلغا را احتیاج مبرمی داشت ، توجه خاص مبذول می‌داشت .

مقام علمی خواجه شمس‌الدین محمد جوینی

صاحب‌دیوان شمس‌الدین جوینی نه‌تنها دولت مرد و سیاستمداری با ذکاوت بود بلکه شاعر و نویسنده‌ای توانا در زبان فارسی و عربی است و از حامیان بنام اهل فضل و علم و هنر به‌شمار می‌رفته‌است . برادر وی ، علاء‌الدین عطا‌الملک جوینی که از نویسندگان و مورخان شناخته‌شده قرن هفتم هجری به‌شمار می‌رود و شرح وی خواهد آمد ، بنا بر نوشته‌ی و صاف ، به مطالعه منشآت برادرش علاقه فراوان داشته‌است (۱۳) .

خواجه شمس‌الدین در نظم و نثر فارسی و عربی مهارت داشته ، به طوری که در تاریخ ادبیات ایران در قرن هفتم هجری موقعیتی خاص دارد . بعضی از منشآت ، مکاتیب ، غزلیات ، قصاید و قطعات از او باقی مانده‌است (۱۴) .

نه‌تنها خود خواجه شمس‌الدین ، بلکه برادر و فرزندان نیز حامی و پشتیبان علماء و فضلا و هنرمندان بودند به طوری که از نوایب و مشاهیر آن عصر نظیر استاد البشر خواجه نصیرالدین طوسی ، صفی‌الدین عبدالمومن ارموی ، شیخ سعدی ، قاضی نظام‌الدین اصفهانی ، همایون‌الدین تبریزی ، فخرالدین عراقی و بسیاری دیگر به‌نام ایشان کتاب‌ها تألیف کرده و یا این خاندان را مدح گفته‌اند (۱۵) .

فرزندان صاحب‌دیوان خواجه شمس‌الدین

ارشد فرزندان صاحب‌دیوان بهاء‌الدین محمد در زمان آباقاخان در اوایل جوانی به حکومت اصفهان منصوب گردیده‌است . وی طبیعی سخت و خشن داشته و بسیار بیرحم بوده‌است . با وجود این توانسته‌است در اصفهان که بنا بر نوشته‌ی و صاف مردم آن به شرارت معروف بوده‌اند ، آنچنان امنیت و آرامش برقرار کند که در سایه آن شیها

دکاکین بدون محافظ با زگذاشته می شده است (۱۶). بهاء الدین علی رغم این خلق و خوی، مانند پدرش در تکریم و بزرگداشت علماء و فضلا سعی تمام داشته است. وی در سال ۶۷۸ در سن سی سالگی در زمان حیات صاحب دیوان فوت کرده است. پسرخواجه بهاء الدین بنام علی در سال ۶۸۸ در کاشان به قتل رسیده و بنا بر نوشته جامع التواریخ مدفن وی زیارتگاهی معتبر گردیده است (۱۷).

شرف الدین هرون پسر دوم وی علاقمند به علم و شعر و مخصوصا موسیقی بوده و در این فن شاگرد صفی الدین عبدالمومن ارموی است و صفی الدین رساله شرفیه را به نام او در فن موسیقی تحریر نموده است که بنا بر عقیده مرحوم سعید نفیسی بهترین رساله موسیقی قدیم ایران است (۱۸). در سال ۶۷۷ به طوری که ذکرش گذشت، نایب پدر در آناتولی بود و بعد از فوت علاء الدین عظاملک، عمویش، به جای وی به حکومت بغداد منصوب شد و با رابعه دختر مستعصم، آخرین خلیفه عباسی، ازدواج کرد و پسرانی به نام های عبدالله ملقب به ماءمون و احمد ملقب به امین و دختری به نام زبیده داشته است. شرف الدین هرون در ۶۵۸ هجری بنا بر سعایت فخر الدین مستوفی قزوینی، پسر عموی مورخ مشهور حمدالله مستوفی، به قتل رسیده است.

فرزندان دیگر خواجه به نام های یحیی، فرج الله، مسعود، اتابک و بالاخره نوروز یکی پس از دیگری به قتل رسیده اند و فقط پسری بنام ذکریا توانسته است جان خود را نجات دهد (۱۹). صاحب دیوان دختری نیز داشته است که با یوسف شاه (۶۸۸ - ۶۷۲ هجری) از اتابکان لرستان ازدواج کرده است (۲۰).

کشتار فرزندان خواجه شمس الدین و افراد وی به دست مغول ناشی از مقررات متداول در بین مغولان بوده است که بعد از کشتن مجرم فرزندان و کسان وی را نیز به یا سا می رسانیده اند (۲۱).

فضل الله بن عبدالله شیرازی مؤلف "تاریخ و صاف" می نویسد

"مقا بر صاحب و اولاد او در چرنداب تبریز است و من در سال ۶۹۲ آن قبور را زیارت کردم. برالواح قبور آن دو برادرو هفت پسر القاب و اسمای ایشان با آیه‌ای مناسب نقش کرده بودند و یکی از فضلالی عصر قصیده‌ای در شرح کیفیت وقایع ایشان ساخته بردیوار زده بود" (۲۲).

صاحب‌دیوان علاءالدین عطا ملک جوینی

در مورد عطا ملک جوینی، مرحوم علامه محمد قزوینی تحقیقی کافی و بسیار ارزنده‌ای در مقدمه^۶ جها نگشادارد و چون عنوان مقاله حاضر به‌خاندان جوینی مربوط است ضروری به‌نظرمی‌رسد که شمه‌ای نیز به‌وی اختصاص داده‌شود.

عطا ملک در سال ۶۲۳ هجری متولد شده است در سنین جوانی به علت موقعیت پدرش به‌علاءالدین محمد، در دیوان امیر ارغون (۶۵۴-۶۴۱ هجری)، پنجمین حاکم مغولی ایران، در مقام دبیری تقرب پیدا کرد. امیر ارغون برای گزارش امور و توضیح جریان‌ات منطقه حکمرانی خود به‌دفعات به قراقرم پایتخت مغول مسافرت نمود و در همه این مسافرت‌ها عطا ملک به‌عنوان دبیر مخصوص در معیت وی بوده است.

در سال ۶۵۴ هجری، با آمدن هولاکوبه ایران و الحاق ابواب جمع امیر ارغون به اردوی هولاکو، عطا ملک نیز به خدمت هولاکو درآمد. وی در فتح قلاع اسماعیلیان شرکت داشته و از آن‌ها نام کتابخانه و آلات و ادوات رصدخانه^۶ معروف الموت جلوگیری به عمل آورده و بنا بر نوشته^۶ خودش تمام کتب مربوط به اسماعیلیان بجز کتاب مربوط به زندگانی حسن صباح سوزانده شده است (۲۳). در فتح بغداد نیز همراه هولاکو بود و یک سال بعد از فتح بغداد در سال ۶۵۷، حکومت بغداد با تمامی منطقه عراق و خوزستان به‌وی واگذار گردید و تا آخر دوران هولاکو در این سمت باقی بود. انتخاب برادرش صاحب‌دیوان شمس‌الدین محمد جوینی به وزارت، موقعیت وی را مستحکم

گردانیده است. در زمان آباقا خان نیز به عنوان نایب امیرسونجاق و در واقع به طور مستقل برای ناحیه حکمرانی داشته است. در اوایل حکومت احمدتگودار هم این سمت را حفظ کرده و به طور کلی مدت بیست و چهار سال در بغداد حکمرانی داشته است. وی نیز با توجه به این که حکمران مطلق بغداد و عراق بود منصب و لقب صاحب دیوانی این منطقه را نیز داشته است (۲۴).

خواججه علاء الدین عطا ملک در مدت حکمرانی خود در بغداد نسبت به عمران و آبادی این منطقه و تأمین رفاه و آسایش مردم کمر همت می‌بندد و به قولی بغداد آبادتر از دوران خلفا می‌شود و آثار ایلغار مغول تا اندازه‌ای از دامن این شهر قرون و اعصار زدوده می‌شود. عطا ملک نیز مانند برادر و دیگر اعضای خاندان جوینی در معرض آت‌ها مات و سالیس دشمنان قرار می‌گیرد و از آن جمله دشمنی قرابوقا شهنه مغولی بغداد، شریف‌التقی تاج الدین علی معروف به ابن الطقطقی پدر مؤلف کتاب "الفخری" صفی الدین محمد ابن الطقطقی که از شروتمندان عراقی بود، و سرانجام مجدالملک یزدی که بدان اشاره شده است. عطا ملک بر همه این دشمنی‌ها و آت‌ها مات غلبه پیدا کرده و آخر الامر در نتیجه عداوت ارغون خان و مشکلاتی که او برایش فراهم ساخته در ذیحجه ۶۸۱ در مغان فوت کرده و در قبرستان چرنداب تبریز دفن گردیده است.

فرزندان علاء الدین عطا ملک جوینی

از عطا ملک جوینی دو پسر به نام‌های منصور و مظفر الدین علی معروف‌ترند. از اینان منصور در رجب ۶۸۸ در بغداد دبه قتل رسیده و وی را در جوار پدرش در تبریز دفن کرده‌اند. مظفر الدین علی نیز به دستور غازان خان به قتل رسیده و در مقبره مادرش در بغداد دبه خاک سپرده شده است. یکی از دختران عطا ملک در سال ۶۷۱ با صوفی معروف شیخ صدرالدین حمویه جوینی ازدواج کرده است و این عارف

گویا در اسلام آوردن غازان خان نقش اساسی داشته است .

مقام علمی علاء الدین عطا ملک جوینی

عطا ملک جوینی در تاریخ ایران برکنار از موقعیت سیاسی و اداری ، به عنوان مورخی چیره دست و عالمی واقف بر مسایل عصر خود شناخته شده است . او نیز مانند برادرش در تشویق و ترغیب علماء و فضلا و شعراء در ریخ نداشته ولیکن خود در راه همه آنها قرار داشته است . فواد کوپرولو ، مورخ نامی ترکیه ، می نویسد تاریخ بزرگ وی بنام "جهانگشا" نه تنها در زمان حیات بلکه بعد از مرگ نیز وی را در ردیف منشیان بزرگ دوران قرار داده است و شهرت او را به عنوان منشی و مورخ بزرگ پابرجا نگهداشته است این اثر از قرن سیزده میلادی تا به امروز ارزش و اعتبار خود را محفوظ نگهداشته و بسیاری از مورخین ایرانی و عرب از این کتاب استفاده کرده و آنرا به عنوان منبع و مرجع مورد استفاده قرار داده اند و از قرن نوزدهم میلادی هم مورد توجه مورخین و مستشرقین غرب قرار گرفته است (۲۵)

برتولد اشپولر ، مورخ آلمانی ، اظهار نظر می کند که گزارش جوینی دربارهٔ کارهای حکامی که از سوی قاتانها به خراسان اعزام می شدند بسیار مهم است . ناگفته نماند که وی برخی از وقایع لشکر کشی مغولان را دوباره روایات مختلف شرح داده است . این اثر اطلاعات فرهنگی و اداری فراوان در اختیار ما می گذارد ، بخصوص در بخش لطیفه های زندگی اوگتای (جهانگشا ، ج ۱ ، صص ۱۹۱ - ۱۵۸) . جوینی که یکی از صاحب منصبان برجستهٔ دولت بود (نایب در بین النهرین) ، با توجه به تجربیات شخصی و نوشته های ضبط شده در دیوان و روایاتی که در میان مردم ، شایع بود ، مطالب تاریخی را می نگاشت . اگر چه نمی توان با مراجعه به آثار مشابهت گزارش های جوینی را طبق اصول علمی تأیید کرد ، با این حال همه نوشته های

وی بسیار قابل اعتماد است (۲۶).

در تاریخ ادبیات ایران نالیفیان ریپکا و دیگران چنین آمده است: "یکی از کتاب‌های نفیس تاریخی که دوره مغول‌بدان ممتاز است تاریخ جهان‌نگشا (یعنی چنگیز) تألیف علاءالدین عطا ملک جوینی است که سبکی سخت متکلف دارد و بسی فراتر رفته و نمونه هراس‌انگیزیک نثر مصنوعی فنی تاریخی است (۲۷).

بالاخره پتروفسکی، ایران‌شناس روسی می‌نویسد: "تألیف بزرگ علاءالدین عطا ملک جوینی یا "تاریخ جهان‌نگشا" که چاپ علمی و انتقادی متن آن با مقدمه علامه میرزا محمد بن عبدالوهاب قزوینی منتشر شده یکی از منابع واجد اهمیت می‌باشد. راست است که اطلاعات اجتماعی و اقتصادی در کتاب جوینی جسته و گریخته دیده می‌شود، ولی مجموع آن مطالب بالنسبه بسیار است. از لحاظ کار مطالب تألیف جوینی بیشتر از سه جهت ارزنده است: ۱- اطلاعات مربوط به خرابی‌های زمان غلبه مغول از لحاظ وضع اقتصادی ایران در نیمه اول قرن سیزدهم میلادی نمودار نیکی است.

۲- شرح یا ساری کبیر چنگیزخان.

۳- اطلاعات مربوط به سیاست مالیاتی جانشینان خان بزرگ مغول در ایران که قبل از هولاکو خان حکومت می‌کرده‌اند (۲۸).

از عطا ملک جوینی علاوه بر "تاریخ جهان‌نگشا"، دو اثر دیگر به نام "تسلیه الاخوان" و "متمم آن در مورد سرگذشت خود نویسنده و نیز تعدادی فرمان و نامه و منشآت باقی مانده است (۲۹).

نتیجه

به طور کلی خاندان جوینی اکثراً "اهل علم و فضل و ادب و سیاست بودند و اغلب آنان سمت و مقام صاحب‌دیوانی داشته‌اند و زمام امور مالی و اقتصادی مملکت و یا قسمتی از آن در دست آنها متمرکز بوده است. تلاش و کوشش صاحب‌دیوان شمس‌الدین محمد در اداره مملکت

واصلاح امور مالی در دوره آقاخان و اقدامات عمرانی علاءالدین عطا ملک در عراق و خواجه بهاءالدین محمد در اصفهان و سایر فرزندان خواجه شمس الدین محمد در مناطق دیگر ایران نمودار خدمات این خاندان می‌باشد، ولیکن اندوختن ثروتی کلان از جانب زعمای این خاندان در شرایط بسیا رسخت و دشوار اقتصاد ویران شده بعد از ایلغار مغول در حالی که عامه مردم در شرایط بسیار نامساعدی بسر می‌بردند (۳۵) ، بر اعتبار و شهرت این خاندان سایه می‌افکند.

- ۱- برای شرح حال وی و اطلاع بیشتر رجوع شود: عتبه‌الکتبه ،
ولباب‌الالباب ، صص ۷۸-۷۷ .
- ۲- جهانگشای جوینی ، ص ۲۸ .
- ۳- دستورالوزراء ، ص ۲۶۷ .
- ۴- صاحب‌دیوان منصب و لقب مسئول اداره امور دولت و خاصه امور مالی بود . گاهی این مقام به وزیر داده می‌شد و با وزارت تسوأم می‌گردید و بعضی اوقات این دو مسئولیت از یکدیگر جدا بود . رجوع شود: تاریخ مغول در ایران ، ص ۲۹۶ .
- ۵- عراق عجم شامل مناطق مرکزی ایران بین یزد و اصفهان و ری و همدان و قزوین و نواحی اطراف می‌باشد رجوع شود: نزهت القلوب ،
بخش نخست از مقاله سوم ، ص ۵۱ .
- ۶- جهانگشا ، ج ۲ ، صص ۲۵۸ - ۲۵۶ .
- ۷- کشا و رزی و مناسبات ارضی در ایران عهد مغول ، ص ۲۰۹ .
- ۸- برای اطلاع بیشتر رجوع شود: تاریخ مغول ، اشپولر ، ص ۲۹۷ .
- ۹- برای اطلاع از رقابت مجد الملک یزدی با خاندان جوینی رجوع شود: مقدمه جهانگشا ، ص لو ، دستورالوزراء ، ص ۲۶۹ .
- ۱۰- برای شرح وقایع این دوره رجوع شود: جامع التواریخ ،
ص ۷۸۴ ، و تاریخ و صاف ص ۱۰۶ .
- ۱۱- برای متن وصیت نامه صاحب‌دیوان به فرزندان رجوع شود: از
سعدی تاجامی ص ۳۹ .
- ۱۲- تاریخ و صاف ، ص ۱۴۱ .
- ۱۳- همان مأخذ ، ص ۵۸ .
- ۱۴- رجوع شود: از سعدی تاجامی ، صص ۴۰-۳۴ .
- ۱۵- برای توضیح کامل رجوع شود: مقدمه جهانگشا ، ص سد .
- ۱۶- تاریخ و صاف ، ص ۶۱ .
- ۱۷- جامع التواریخ ، ج ۲ ، ص ۸۲۰ .
- ۱۸- تاریخ نظم و نشر در ایران ، ص ۱۴۸ .

- ۱۹- جامع التواریخ ، ص ۸۲۰ .
- ۲۰- تاریخ مغول ، عباس اقبال ، ص ۴۴۵ .
- ۲۱- جهانگشا ، ج ۱ ، ص ۲۰۲ .
- ۲۲- تاریخ و صاف ، ص ۱۴۳ .
- ۲۳- جهانگشا ، ج ۳ ، ص ۱۸۶ .
- ۲۴- تاریخ و صاف ، ص ۱۰۷ .
- ۲۵- مقالهٔ مرحوم پرفسور فواد کوپرولو در دایره المعارف اسلام به زبان ترکی استانبولی ، مادهٔ علاءالدین جوینی .
- ۲۶- تاریخ مغول ، اشپولر ، ص ۶ .
- ۲۷- تاریخ ادبیات ایران ، یان ریپکا ، ص ۴۹۵ .
- ۲۸- کشا ورزی و مناسبات ارضی در ایران ، ج ۱ ، ص ۱۷ .
- ۲۹- مقدمهٔ جهانگشا ، ص عب .
- ۳۰- تاریخ اجتماعی ایران ، ج ۲ ص ۲۷۱ .

" کتابنامه "

- ۱ - ازسعدی تاجامی ، ادوارد براون ، ترجمه علی اصغر حکمت ، انتشارات ابن سینا ، چاپ دوم ، تهران ۱۳۳۹ .
- ۲ - تاریخ ادبیات ایران ، یان ریپکا ، ترجمه دکتر عیسی شهابی ، بنگاه ترجمه و نشر کتاب ، تهران ۱۳۵۴ .
- ۳ - تاریخ اجتماعی ایران ، مرتضی راوندی ، انتشارات امیر کبیر ، ج ۲ ، تهران ۱۳۴۷ .
- ۴ - تاریخ مغول ، عباس اقبال ، انتشارات امیر کبیر ، تهران ۱۳۴۱ .
- ۵ - تاریخ مغول در ایران ، بارتولد اشپولر ، ترجمه دکتر میسر آفتاب ، بنگاه ترجمه و نشر کتاب ، تهران ۱۳۵۱ .
- ۶ - تاریخ نظم و نشر در ایران ، سعید نفیسی ، انتشارات فروغی ، تهران ۱۳۴۴ .
- ۷ - تاریخ و صاف ، فضل الله بن عبدالله شیرازی ، انتشارات ابن سینا و جعفری تبریزی ، تهران ۱۳۳۸ .
- ۸ - جامع التواریخ ، رشیدالدین فضل الله ، به کوشش بهمن کریمی ، ج ۲ ، انتشارات اقبال ، تهران ۱۳۳۸ .
- ۹ - جهانگشای جویینی ، تصحیح علامه محمد قزوینی ، ج ۳ ، لیدن ۱۹۱۶ .
- ۱۰ - دایره المعارف اسلام (ترکی) ، چاپ استانبول .

- ۱۱- دستورالوزراء ، خواندمیر ، تصحیح سعیدنفیسی ، انتشارات اقبال ، تهران ۱۳۱۷ .
- ۱۲- عتبه‌الکتبه ، تصحیح علامه محمدقزوینی و عباس اقبال ، تهران ۱۳۲۹ .
- ۱۳- کشا ورزی و مناسبات ارضی در ایران عهد مغول ، پتروشفسکی ، ترجمه کریم کشا ورز ، انتشارات موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران ، ۲ ج ، ۱۳۴۴ .
- ۱۴- لباب الالباب ، محمدعوفی ، تصحیح سعیدنفیسی ، انتشارات ابن سینا و علمی ، تهران ۱۳۳۵ .
- ۱۵- نزهت القلوب ، حمدالله مستوفی ، به کوشش دبیرسیاقسی ، انتشارات طهوری ، تهران ۱۳۳۶ .